

الباب الثاني من الواحد السادس في ان حكم البئر حكم الكر...

حضرت باب

اصلي فارسي



الباب الثاني من الواحد السادس في ان حكم البئر حكم الكر
و قدر ارتفع حكم الكر و امر الكل بماء طاهر و ان الماء
طهر طاهر مطهر في نفسه لنفسه و لغيره بنفسه اذا لم يتغيره
الثلاث و ان حكم بعضه حكم كله و بالعكس.

ملخص اين باب آنکه خداوند عالم بچود و فضل خود حکم ماء کاس را مثل ماء کثیر فرموده تا آنکه کل در
سعه فضل و رحمت او باشند و آنچه قبل در بئر بما يقع فيه عمل مینمودند مرتفع فرموده ولی در هر حال دوست
داشته که در هیچ ارضی نباشد که در آنجا عبادی ساکن باشند مگر آنکه حوضی از ماء باشد که تلطیف و
تطهیر سهل باشد و هیچ بیتی نیست که در آن حوض بنا نشود مگر آنکه ملائکه در آن عبور نمیکنند اگر امر از
قبل الله شود بکره عبور مینمایند کل اهل بیان در این فضل دقت نموده که از نفسی ممنوع نگردد

و سریان حکم طهارت در این ماء ظاهر نشده الا بحکم ماء بحر توحید که همین قسم که یک قطره آن مدل علی
الله هست کل هم مدل علی الله هست

و ماء بنفسه طهر و طاهر و مطهر بوده و هست و در حین تطهیر استیلاء ماء بر آن شیء بهتر است از وقوع آن
شیء در آن زیرا که در آن کره ظاهر است و در اول مرتفع نظر نموده که کل تطهیر در قول الله بوده که



ORIGINAL



AUDIO

بواسطه آن ماء طاهر میگردد و اگر در یوم ظهور حق حکم فرماید بطهارت شیء مستعجب ندانسته که قول او مطهر است نه نفس شیء اگر چه ظهور اون نمیشود الا بامر او

گویا دیده میشود که کل اهل بیان بطهارت حکم قبل او در ماء با منتهای اجتهاد عمل مینمایند ولی در یوم ظهور آن بهمان شئون محتجب میگردند مثل آنکه امروز ظاهر است

ای اهل بیان نکرده آنچه اهل قرآن کردند که در طهارت جسد خود بماء جسدی منتهای جد و اجتهاد میکنند و در طهارت جسد ذاتی بماء توحید محتجب میگردند که طاهر کنند خود را بدان

که در هر فوادی که حب غیر الله در آن باشد طاهر نیست عند الله و همچنین هر روح و نفس و جسدی که حب دون حروف واحد و من یحبهم در او باشد طاهر نیست عند الله زیرا که حکم طهارت جسد بر طهارت جسد ذاتی میگردد که اون بایمان طاهر میگردد نه غیر آن که اگر غیر این بود امروز هیچ ملتی از ملت نصاری در ظاهر جسد تلطیف زیاده نمی نمایند

و حال آنکه حکم آنها ظاهر است و همین قسم حین ظهور "من یظهره الله" طاهر نموده کل خود را بایمان باو که اگر یومی هزار مرتبه در بحر داخل شوید و خارج شوید حکم طهارت جسدی نمیشود چگونه ذاتی گردد باین تقدسات از حق محبوب نگشته چنانچه امروز محبوب هستند در طهارت ظاهر جسد چنین محتاط است که عدیل ندارد و پنجاه هزار بیت در او تصنیف مینماید ولی در جائی که تأمل در آن طهارت کینونیت او را مبدل میکند از حکم طهارت پروا نمیکند بلکه فتوی میدهد بر آنچه قلم حیا میکند که بر آن جاری گردد

منتهای دقت را نموده که نه از ظاهر محتجب گردید و نه از باطن بلکه هر دو را با منتهای کمال داشته باشید لعل در یوم ظهور حق توانید بضیاء شمس مستضییی گردید و اگر آن شمس حقیقت در آنی بآنچه متصور است حکم طهارت نماید در هر چه که حکم شود بر کل حق است که اطاعت نموده عمل نمایند زیرا که آنچه امروز میکنید از امر قبل او است و در نزد او در هر حال مبدأ امر سواء است

و حکم بعض از ماء حکم کل او است و بجاری نمودن آن بر شیئی که عینیت بر آن باقی نمانده باشد دو مرتبه طاهر میکند آنرا ولی در وقوع آن در ماء یک مرتبه کافی است اگر مائی باشد که نفس بر آن کرهی نداشته باشد در قلت و الا بچنین مائی محبوب نیست تطهیر و اگر مائی شیئی دون طاهری او را متغیر کند محبوب نیست استعمال از آن و حکم طهارت از نفس ماء مرتفع نمیگردد الا آنکه حکم ماء در اون نشود و از شیئی طاهر اگر چه متغیر گردد طاهر است و اگر مخلوط بتراب گردد حکم مضاف باو نمیشود و با ماء مضاف تطهیر جایز نیست تا آنکه اغنیاء بر فقراء اظهار ارتفاع نمایند و الا نزد خداوند امر اقرب از ملح بصر است

ولی هیچ شیئی محبوب تر نزد خداوند نیست از آنکه ماء را با منتهای طهارت حفظ نماید که اگر علمی احاطه کند که این ماء کأس بر ارض غیر طاهری گذشته بر قلب مؤمن لطیف گوارا نیاید و اینکه بعد از تغییر حکم بطهارت شده جهت سعه کل است و الا کدام نفس است که میل کند بقرب آن تا آنکه بتطهیر رسد

و نزد خداوند محبوب نیست دقت در طهارت را که مورث امری میگردد که آخر ضرر بآن نفس میرساند بلکه نفس مؤمن اجل تر است از اینکه شیئی او را متغیر سازد بلکه او امر طهارت کلا از برای این که نفوس تربیت شوند بر شأن لطافت و طهارت بشأنی که هیچ نفسی از نفس خود بشیئی مکروه نگردد چگونه رسد بدیگری لعل در یوم ظهور الله واقع شود و کرمی از او مشاهده شود که دون رضای او دون رضای خدا است و رضای او رضای خدا است

و در هر حال سزاوار است که عبد مؤمن بعواطر قوه شامه خود را حفظ نماید که رایحه دون حبی استشمام نماید و همچنین در سر خود روایح دون مؤمنین را استشمام نماید که از رضای محبوب خود باز ماند و ملتفت نشود

قل انما الماء يطهرکم باذن ربکم ان یا عباد الله فاشکرون.

